

گزارش نشست علمی یادروز سعدی در شیراز

وی افزود: سعدی در ملتقای دو هندسه عقلی دل و هندسه حسی زبان، انسان و مراتب وجودی او را تجربه می‌کند، می‌شناسد و می‌شناساند و در این هنر بدیع هیچ کس توفیق درخشان او را نیافته است.

به گزارش ایسنا، سعید حمیدیان نیز که با عنوان «تشنیه‌های ناروا به سعدی» سخن می‌گفت، به بررسی خرده‌گیری‌ها و اتهام‌زنی‌هایی که از ۱۲۰ سال پیش به سعدی زده می‌شود، پرداخت و اظهار کرد: اتهام‌زنی‌ها به سعدی از میرزا فتحعلی آخوندزاده و احمد کسروی به ظهور رسید و به شاعران نوپردازی مثل نیما یوشیج و شاگردان او مثل احمد شاملو رسید.

او با بیان اینکه ایرانی‌ها نقد و تحلیل را به شیوه جدید از استادان غربی یاد گرفتند، گفت: این حکایت خامی است که به یکی از برومندترین فرزندان ایران تشنیه می‌زنیم و جالب اینکه در اکثریت این تشنیه‌ها و خرده‌گیری‌ها یک شاهد مثال دست داده نمی‌شود؛ در حالی که باید سؤال کرد آیا همان نقدآموزان ما یعنی غربی‌ها از شکسپیر خرده می‌گیرند که چرا او مثل امروز نمی‌اندیشید؟ در حالی که سعدی متهم می‌شود به اینکه چرا مثل امروزی‌ها نمی‌اندیشید!

حمیدیان با بیان اینکه به نیما پیشوای شعر نو ارادت دارم و شعر شاملو را نیز سال‌هاست در دانشگاه تدریس می‌کنم، گفت: ضعف اخلاقی مغالته در غزل، عشق مذکر، ماکیاولیسم و فرصت‌طلبی، اشتباهات لغوی، نداشتن تلفیق تازه و... از جمله اتهاماتی است که به سعدی می‌زنند و حتی کسی مثل شاملو از بیخ و بن منکر سعدی شد و اعلام شد که جنبه استعاری در شعر سعدی کم است.

وی با اشاره به اتهاماتی که فروغی به سعدی زده است، گفت: فروغی عقیده داشت سعدی اخلاق جوانان را فاسد می‌کند و توصیه کرد بیش از ۷۰۰ غزل سعدی خوانده نشود و فقط ۵۰ غزل او را بخوانند!

حمیدیان با انتقاد از نیما یوشیج اظهار کرد: نیما می‌گفت اشتباهات لغوی، باید دید چه کسی از چه کسی اشتباهات لغوی می‌گرفت!

نشست علمی یادروز سعدی با حضور سعدی‌پژوهان، استادان دانشگاه، دوستان و علاقه‌مندان این شاعر در تالار حافظ شیراز برگزار شد.

به گزارش ایسنا، غلامحسین ابراهیمی دینانی که با موضوع «حکمت در گلستان سعدی» سخنرانی می‌کرد، زبان فارسی را مدیون تلاش بی‌دریغ سعدی شیرازی دانست و گفت: اگر فردوسی حکیم نبود، ما امروز به زبان فارسی سخن نمی‌گفتیم و اگر سعدی نبود به این زیبایی سخن نمی‌گفتیم. وی با برشمردن ویژگی‌های عقل عملی و حکمت عملی اظهار کرد: شیخ اجل سعدی بیشتر به حوزه عقل عملی و حکمت عملی تعلق دارد و سعدی با حکمت عملی خود یک مربی بزرگ است.

این استاد فلسفه معتقد است: اگر سعدی را از انجیل بالاتر ندانیم، کمتر هم نمی‌دانیم؛ همچنان که ۷۰۰ سال است با اخلاقیات سعدی سخن می‌گوییم.

محمدیوسف نیری - استاد بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز - با موضوع «لطایف عشق عرفانی در گلستان» گفت: اگرچه نگرش عرفانی شیخ بزرگ سعدی شیرازی را در غزلیات، بوستان و قصاید او می‌بینند و کتاب گلستان را آینه نگاه عرفانی او نمی‌دانند، اما این حکیم سترگ در گلستان نیز با نگاهی جامع منشوری، جهان درون و بیرون را به دقت واکاوی می‌کند.

او افزود: کلام سعدی در گلستان حضوری زیبا، صادقانه و بسیار واضح دارد و سخن زلال او رویی با جهان صورت دارد و رویی با عالم مجرد دل. نیری تصریح کرد: هنر بدیع سعدی در این است که چگونه پیام‌های مجرد از لفظ و صوت و فراعقلی را در قالب داستان‌های بسیار ساده و روشن بیان می‌کند.

به اعتقاد این استاد دانشگاه، گلستان سعدی آینه روشنی است که انسان را آن‌گونه که هست و آن‌گونه که باید باشد، نشان می‌دهد و از این رهگذر در معرفت را به روی انسان می‌گشاید.



را با زشتی تمام نشان می‌دهد؛ اما توجه را به صورتی معجزه‌آسا معطوف می‌کند به نتیجه‌ای که می‌خواهیم بگیریم و تو گویی این زشتی‌ها تازینه‌ای بر اخلاق عمومی ماست.

حسن میرعبدینی نیز دیگر سخنران مراسم یادروز سعدی بود که به «تأثیر گلستان در داستان‌نویسی معاصر ایران» پرداخت و گفت: اهمیت گلستان نه در پندهای آن بلکه در رفتار هنرمندانه سعدی در زبان و توجه به ساختار روایی است.

وی به دو ویژگی رفتار هنرمندانه سعدی اشاره کرد و گفت: یکی موسیقی کلامی رشک‌انگیز سعدی است که کل نثر او واجد هماهنگی درونی است و دیگر این است که سعدی با انتخاب لحن‌های متفاوت در حکایت‌های متفاوت بر تأثیر سخن خود می‌افزاید و در حکایت‌نویسی به چهره‌پردازی کلی شخصیت‌ها اکتفا می‌کند؛ زیرا جزءنویسی ادبی در حد دوره سعدی نبوده است.

او به بیان تأثیر سعدی بر داستان‌نویسی معاصر پرداخت و گفت: پیش‌تازان تجدد نثر از گلستان سعدی الهام گرفته‌اند.

به اعتقاد وی، فریدون توللی در نوشته‌های انتقادی مشهورش در «التفصیل» از گلستان تأثیر پذیرفته است و نویسندگان سنت‌گرایی مثل جمالزاده و محمد حجازی که هدف یک داستان کوتاه را مفهوم و مضمون آن می‌دانستند، نیز از سعدی تأثیر پذیرفته‌اند.

میرعبدینی ادامه داد: نویسندگان نوگرایی نیز که بیشتر به قالب و فرم پرداخته‌اند، نیز کوشیده‌اند از امکان تازه‌ای که نثر سعدی پدید آورده، استفاده کنند و ساختارهای زبان‌شناسی جدیدی را بیازمایند.

میرعبدینی با بیان اینکه از دوره مشروطیت به بعد توجه به محاوره مردم مرسوم می‌شود، افزود: در سال‌های ۱۳۲۰ به بعد نویسندگانی مثل صادق چوبک، جلال آل‌احمد و ابراهیم گلستان ضمن توجه به زبان محاوره مردم سعی می‌کنند زبان کلاسیک گذشته را نیز مورد توجه قرار دهند و

این استاد دانشگاه با بیان اینکه من نمی‌دانم سعدی تلفیقات تازه ندارد، یعنی چه، افزود: آیا مراد او ترکیب‌سازی است که در قرن شش به اوج رسید؟ حتی من ندیدم که یک‌بار این تلفیقات تازه را روشن کنند. وی با انتقاد از شاملو نیز گفت: شاملو از بیخ و بن منکر شاعری سعدی شد و گفت سعدی بزرگ‌ترین و تهی‌ترین ناظمی است که من شناختم! او حتی می‌خواست سعدی را با حافظ درآندازد!

میرجلال‌الدین کزازی نیز در سخنرانی خود با عنوان «سعدی و لافونتن» اظهار عقیده کرد: اگر روزگاری بخواهند چند سخنور جهانی را برگزینند، بی‌هیچ گمان یکی از آنان سعدی خواهد بود و سروده‌ها و نوشته‌های این سالار سترگ سخن بر پاره‌ای از بزرگان ادب جهان کارساز افتاده و اثر نهاده است که یکی از آنها سخن‌سرای پرآوازه فرانسوی «لافونتن» است.

وی با اشاره به سروده «خواب باشنده‌ای در مغولستان» لافونتن گفت: به آواز بلند می‌گویم، بی‌هیچ بیم و باک، پیراسته از تنگ‌بینی و یکسویه‌نگری، فرهنگ ایرانی و ادب پارسی را اگر با دیگر سامانه‌های ادبی جهان بسنجیم، باور خواهیم کرد که آنچه ما ایرانیان از آن برخورداریم، برتر از آن دیگران است.

او معتقد است: لافونتن از گلستان بهره برده و آن را پایه و مایه سروده خود در کتاب فسانه‌ها قرار داده است.

کزازی افزود: لافونتن زبان فارسی نمی‌دانست و آشنایی او با شاعران فارسی به پاس برگردان خاورشناسان فرانسوی بوده است.

او با بیان اینکه لافونتن سه سده پس از سعدی یکی از حکایات او را دیگرگون کرده، گفت: نخستین جدایی در سروده لافونتن و حکایت سعدی در پیکره سخن و اندازه آن آشکار می‌شود. حکایت سعدی نوشته‌ای است آهنگین و هنری و شعرگونه؛ اما فسانه لافونتن سروده‌ای مثنوی‌وار است و فسانه درازناتر از حکایت سعدی است و در نکته‌های ریز نیز این دو بر یکدیگر هماهنگ و همساز نیز نمی‌توانند بود.

کزازی گفت: لافونتن پادشاه را در حکایت سعدی به وزیر در فسانه خویش تغییر داده و مشخص نیست که چرا او پادشاه را تا حد وزیر پایین آورده، شاید انگیزه او از این کار پرواهای سیاسی بوده و نمی‌خواست شاهان خودی و فریفته بر خویش را بیازارد.

او در پایان گفت: حکایت سعدی در سنجش با فسانه لافونتن سخته‌تر، همگون‌تر و درهم تنیده‌تر و بر پایه داستان‌نویسی نیز هنری‌تر است.

علی محمد حق‌شناس هم در سخنرانی با عنوان «شجره‌های ممنوعه در گلستان سعدی» گفت: سعدی علی‌رغم اینکه جزء به ظاهر زشت فرهنگ

نقاشی کردن روایت را جانشین نثر معاصر می‌کنند.

او با بیان اینکه تقریباً همه نویسندگان ما تمایل خود را به کاربرد نثر کهن نشان داده‌اند، گفت: آنها تلاش کرده‌اند نثر را نیز مدرن کنند؛ چنانکه جمالزاده در «یکی بود و یکی نبود»، هم از صداقت داستان‌نویسی اروپایی و هم از سنت قصه‌گویی شهری بهره می‌گیرد، اما حجازی بیش از جمالزاده از فرم مقاله‌وار استفاده می‌کند.

به اعتقاد وی، در میان نویسندگان نوگرا ابراهیم گلستان بیش از آنکه دنبال پندآموزی باشد، شیفته موسیقی کلامی زبان فارسی است. میرعابدینی ادامه داد: ابراهیم گلستان با برش‌های کوتاه و بلندی که به جملات می‌دهد، سعی می‌کند نثری موزون پیدا کند و متأثر از سعدی با وفور از صنایع ادبی استفاده می‌کند.

به اعتقاد این پژوهشگر، ابراهیم گلستان با اینکه نویسنده‌ای نوگراست، اما از طریق جملات قصار موزون سعی می‌کند فکری ساده را تبدیل به تمثیل کند.

او در پایان با تأکید بر اینکه سعدی و دیگر بزرگان ادبیات را نباید حوزه‌های کنیم، گفت: ادبیات معاصر ما که از دوره مشروطه به بعد پدیدار شد و غالباً در محافل دانشگاهی دست رد بر آن می‌زنند، صرفاً ادبیاتی ترجمه‌ای و بی‌ریشه نیست؛ بلکه ادبیاتی است که ریشه‌هایش از ادبیات کلاسیک فارسی آب می‌خورد و در واقع این ادبیات ادامه منطقی ادبیات کلاسیک ماست و وقت آن رسیده که دانشگاه‌های ما به ادبیات معاصر عنایت بیشتری داشته باشند.

به گزارش ایسنا، همچنین کامیار عابدی در سخنان خود با عنوان «اشاره‌های چند به تأثیر گلستان سعدی بر شاعران و قلمزنان ادبی و فرهنگی ایران در سده بیستم میلادی»، گفت: سه شاعر را می‌توان نام برد که از اولین روزهایی که شعر فارسی شکل گرفت تا قرن هفتم میلادی تأثیرگذار بوده‌اند؛ یکی رودکی که نماد تأسیس زبان فارسی است، دیگری فردوسی است که نماد تثبیت زبان فارسی است و دیگری سعدی است که نماد پختگی زبان فارسی است.

او در ادامه گفت: فارسی امروز بیش از هر زبان و یا نثرنویس دیگری مدیون سعدی است. سعدی کتاب جامعه را بیش از کتاب‌های مدرسه در مطالعه خویش داشت. او شاعر زندگی و زندگان و شاعر رونده و روندگان است.

عابدی در بیان ویژگی‌های سعدی و گلستان او گفت: روانی زبان در مقابل فصاحت، رسایی سخن سعدی در مقابل بلاغت، در کنار ایجاز که تقریباً می‌شود گفت تنها در سعدی است، مجموعه‌ای را می‌سازند که

می‌گویند سهل است و ممتنع و اساس زبان فارسی نیز بر ایجاز نهاده شده است.

وی معتقد است: پس از کتاب گلستان آن جنبه‌های موسیقایی و روایی و شعر در خدمت نثر بودن در آثار مختلفی مورد توجه قرار گرفت و سعی شد از الگوی کتاب گلستان استفاده شود.

این منتقد ادبی ادامه داد: با ورود به دوره بازگشت ادبی، عده زیادی منشآت‌نویس داریم که همه کم و بیش شاگردان مکتب سعدی هستند که از میان اینها قائم‌مقام بیشترین تأثیر را از گلستان گرفته است.

او با بیان اینکه در دوره قاجار گلستان سعدی مهم‌ترین رکن آموزشی بود، افزود: با روی کار آمدن دوره تجدد، همچنان گلستان به واسطه دانش آموختگان دوره سنت حضور داشت؛ اما پس از شهریور ۲۰ امواج تجدد تبدیل به تندباد شد و حضور گلستان حضوری نامحسوس بود.

به اعتقاد عابدی، حضور گلستان در قرن گذشته به دلیل دوری ما ایرانیان از فردگرایی و فردجویی بیشتر آمیخته هیجان‌ها و احساسات بوده است و به لحاظ فکری از گلستان دور بودیم؛ اما به لحاظ زبانی همچنان در ادامه منطقی گلستان بودیم، البته عنصر ایجاز در حال حاضر گسترده نیست.

او در ادامه افزود: در حوزه ادبیات و تحقیقات ادبی کسانی مثل محمدعلی فروغی، خانلری، اسلامی ندوشن و سعیدی سیرجانی متأثر از مکتب گلستان هستند، در میان روزنامه‌نگاران نیز عبدالرحمان فرامرزی و محمود عنایت، در میان مترجمان: قاضی و دریاوندی، در میان مؤرخان عبدالله مستوفی و در زمینه‌های دیگر فخرالدین شادمان، حمید عنایت، امیرحسین آریان‌پور، محمود سناپور و فریدون تولی بیشترین تأثیر را از گلستان پذیرفته‌اند.

عابدی همچنین گفت: چرند و پرند دهخدا نیز متأثر از گلستان سعدی است؛ همچنان که در میان معاصران، عمران صلاحی به گلستان سعدی خیلی توجه داشت.

او همچنین گفت: در میان مورخان اقبال آشتیانی و باستانی‌پاریزی و فریدون آدمیت متأثر از سعدی و گلستانش بوده‌اند.

محمد قراگوزلو و محمود عبادیان نیز با عنوان‌های «نظریه انحطاط به روایت سعدی و ابن خلدون» (بازخوانی شتابزده دو نظریه «تحمل» و «انحطاط» به روایت گلستان سعدی با نگاهی به افکار میل و ابن خلدون) و «حکایت‌های گلستان سعدی از منظر مناسبت عنصر نثر و نظم در آنها» در این نشست سخنرانی کردند.